رکعت سیوم که کرد اتمام
دل قراءت کند دو رکعت ادا
در یکی رکعتش اگر قرآن
کرد از ابو حنیفه با عقل
ما بقی را ادا کند چون شام
گفت بیچون خلاصه در این باب
در نهایه که امام سلام بداد
که مقید بسجده بنود
آن قیام قراتش اگر خوب
مرد مسبوق خیزد او بقیام
در نماز این زمان [illegible]
کرد امام او هم برای سجود
که باز دو متابعت باطل
هم نوشته است شارح اوراد
و مسح باز دود برد او
تا نه بدهند بجانبین سلام
از خلاصه بخیزد او بقیام
مدت مسح بگذرد تا که
یا مصلی چو وقت ذکر
خائف است از طلوع [illegible]
در بسی چند جا که [illegible]

می نشیند کند نماز تمام
بنشیند کند نماز تمام
ترک کرد نماز او ویران
یعنی در ظهر خفتن و دیگر
فتوی بران بود بقول امام
در خلاصه امام داد سلام
سجده سهو داشت آمد یاد
باز کرد و بها زبان زد قیام
هم رکوعش هم سجود
گر نگشت از قیام آنکس باز
سجده آرد و بقول اسبیجابی
مرد مسبوق اندرین هنگام
یعنی از بعد رکعت کامل
نقل کرد از ذخیره کر امام
بیقین شد به نماز او
بر نخیزد بجای مانده خویش
تا شود فارغ از سلام امام
صاحب جمع سایه تغییر
خائف است از خروج وقت ار
یا مصلی کسی ست در و عید
تا تشهد امام اگر نشست

کرد دو رکعت بیافت زاینجا
این بود قول عالمان عظام
سیزده گنج از ظهیری نقل
بیکی رکعتش رسید اگر
آنچه منظور شد زچند کتاب
بود مسبوق خفتی با امام
آنکه مسبوق بود و در آن حین
باز داینجا متابعت با امام
و او بعد از سجود سهو سلام
نیت فاسد نماز او است جایز
گر مقید بسجده گشته بود
نکند او متابعت با امام
آنچه در این کتاب کردی
و او مسبوق اگر بسهو سلام
از فتاوی حجت امام
یعنی مسبوق مرد نیک اندیش
خوف وارد اگر که [illegible]
خائف است از خروج وقت [illegible]
یا مصلی فجر باشد که [illegible]
نیز از خوف وقت او [illegible]
نشود منتظر در آن هنگام

یعنی

یعنی مسبوق تا فراغ امام
ذکر کرده اند بزرگان کرام
گفت در جامع الصغیر خانی
هم در اینجا بقول بعضی بار
خواند این آدمی و دو دعا
تا امام آن زمان سلام کند
در فتاوی قاضی خان [illegible]
با امامی حدث رسید اگر
قبل از این [illegible] قضا دارد
با امامی حدث چو سبقت کرد
رسد آنجا قضای او بیاید
لیک در مسجد این قضا [illegible]
گویا قوم خویش [illegible] امام
گر مسبوق هم با او همراه
شد تخلف ز بزرگان کرام
سهو تا داشتی نداند او
از عتابیه ذکر کرد امام
فتوی بر این بگفت [illegible]
باد اینجا خلیفه مرد تمام
[illegible] ارشاد
ور نه او را که قربت [illegible]

شرح اوراد [illegible] بیان
قعده آخرین نشست امام
چون تشهد ادا کند [illegible]
التحیات را کند تکرار
در کتاب خلاصه بنوشته
التحیات این تمام کند
[illegible]
چون خلیفه بکرد مرد دگر
گشت فاسد نماز همه امام
پس بجای کشید دیگر [illegible]
[illegible]
گشت اینجا نماز جمله فساد
نیز در قاضی خان [illegible]
لیک از بعد او که گشت [illegible]
اشهر قول بندگان [illegible]
گفت [illegible]
گر چه دانند بود [illegible]
از عتابی [illegible]
شد خلیفه اگر کسی [illegible]
خلیفه کامل [illegible]
هر جا که خلیفه شد [illegible]

یعنی در باب تشهد آن
مرد مسبوق چون کند [illegible]
نزد بعضی سکوت باید کرد
بزبان صحیح گفت اما
التحیات خواند آهسته
گفت اینجا صحیح باشد آن
در فتاوی قاضی خان [illegible]
بود در امام یاد آرد
هم [illegible] نماز قوم تمام
چون ز مسجد قدم برون بنهاد
گشت تنها نماز او [illegible]
چونکه در مسجد است تا مادام
سجده سهو کرد امام اگر
سهو [illegible]
گشت مسبوق [illegible]
[illegible]
[illegible]
گر خلیفه کند بجای امام
میشود [illegible] مسلمانان
نهی فرمان شرع داند خود
میکند [illegible] خویش را بدنام

Copyright © King Saud University